خراسان روزنامه صبح ایران
پنج شنبه ۳ آبان ۱۳۹۷ .۱۵ صفر ۱۴۴۰ .شماره ۱۹۹۴۸

## اثری برای آشنایی با «انقلاب کبیر فرانسه»

کتاب «تاریخ قرن هجدهم و انقلاب کبیر فرانسه» اثری محققانه درباره تاریخ اروپا و به‌ویژه فرانسه، در قرن هجدهم میلادی است که توسط آلبر ماله (درگذشته ۱۹۱۵) وژول ایزاک (درگذشته ۱۹۶۳) به رشته تحریر درآمده است. بخش مهمی از این کتاب به زمینه‌های وقوع انقلاب کبیر فرانسه اختصاص دارد. کتاب «انقلاب کبیر فرانسه» توسط زنده‌یاد رشید یاسمی به فارسی ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است.

### تاریخ جهان

## روزگاری که آمریکایی‌ها هیتلر را دوست داشتند!

بنیتو موسولینی، در سال ۱۹۲۲ با رژه ۳۰ هزار نفر از سیاه‌پوش‌های طرفدار خود در رُم، نخست‌وزیری‌اش را مسجل کرد. به گزارش تاریخ ایرانی، اگرچه موسولینی ارزش‌های آمریکایی را بازتاب نمی‌داد، ولی نزد رسانه‌های آمریکایی ارج و قرب داشت و در فاصله سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۲، بیش از ۱۵۰ مقاله در این روزنامه‌ها، به او اختصاص یافت؛ بیشتر این مقالات خنثی بودند یا لحنی مثبت و متفکرانه داشتند. حتی «یستردی ایونینگ پست»، در سال ۱۹۲۸، زندگی‌نامه ایل دوچه یا همان موسولینی را به صورت پاورقی منتشر کرد. در حالی که برخی رسانه‌ها فاشیسم را یک «تجربه» جدید می‌شمردند، روزنامه‌هایی همچون نیویورک تایمز، همواره ادعا می‌کردند که این جنبش باعث شده است ایتالیای ناآرام، به آن‌چه «شرایط عادی» می‌نامیدند، بازگردد.

■ **خوش‌بینی به «موسولینی آلمان»**

موفقیت موسولینی در ایتالیا باعث شد تا به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان، نزد رسانه‌های آمریکایی بسیار عادی جلوه داده شود و به این ترتیب، در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، به طور مرتب او را «موسولینی آلمان» خطاب می‌کردند. با در نظر گرفتن استقبال مثبت رسانه‌ها از موسولینی در آن دوره، این یک نقطه آغاز بسیار خوب برای هیتلر به شمار می‌رفت. اما مهم‌ترین دلیلی که باعث شد هیتلر بی‌خطر جلوه کند، این بود که رسانه‌ها از او چهره‌ای تمسخرآمیز تصویر کردند. او یک «صدای گوشخراش مزخرف‌گو» بود که «کلمات وحشیانه» انتخاب می‌کرد و ظاهر او، به نقل از نیوزویک، «یادآور چارلی چاپلین بود»، «قیافه او یک کاریکاتور است». کازموپولیتن نوشت: «همان اندازه که پرحرف است، بی‌اعتماد به نفس نیز هست.» زمانی که حزب هیتلر پیروز اکثریت پارلمان شد، حتی پس از این که او در سال ۱۹۳۳ صدراعظم آلمان شد، یک سال پیش از آن که قدرت دیکتاتوری را در دست بگیرد، بسیاری از مطبوعات آمریکا هم‌نظر بودند که هیتلر یا توسط سیاستمداران سنتی به کنار رانده می‌شود یا مجبور خواهد شد که معتدل‌تر رفتار کند. واشنگتن پست نوشت: «البته که او طرفدار دارد، ولی طرفدارانش رأی‌دهندگان تأثیرپذیری هستند که فریب دکترین‌های افراط‌گرایانه و راه‌حل‌های دروغین را خورده‌اند.» نیویورک تایمز و کریستین ساینس مانیتور، ادعا می‌کردند اکنون که هیتلر مجبور است دولت را بچرخاند، سیاستمداران «هوشیار» وارد عمل می‌شوند تا این جنبش را «مغروق» کنند. «نمایش مهیج غریزی» کافی نخواهد بود. زمانی که نوبت زمامداری دولت فرا برسد عدم «تعادل» و «سطحی بودن افکارش» مشخص خواهد شد.

■ **مرد فاقد اهمیتی که مهم شد!**

نیویورک تایمز، پس از آن که هیتلر به صدراعظمی رسید، نوشت که موفقیت او فقط باعث خواهد شد «مردم آلمان به پوچی و بطالت او پی ببرند». برخی از روزنامه‌نگاران گمانه‌زنی می‌کردند هیتلر از این که مجبور شده رقابت‌های حزبی را کنار بگذارد تا وارد جلسات کابینه شود و مسئولیت به عهده بگیرد، احساس پشیمانی می‌کند. هنگامی که ادگار مائورر در سال ۱۹۳۳ در شیکاگو دیلی نیوز نوشت که «آلمان در حال تبدیل شدن به یک دیوانه‌خانه است»، آلمانی‌ها وزارت خارجه آمریکا را تحت فشار قرار دادند تا زمام روزنامه‌نگاران آمریکایی را در دست بگیرد. آلن دالس، که بعدها به ریاست سیا رسید، به ادگار مائورر گفت که «شرایط آلمان را بیش از حد جدی گرفته است». روزنامه‌ای که مطلب را منتشر کرده بود نیز مائورر را از آلمان خارج کرد زیرا بیم جان او را داشت. در اواخر دهه ۱۹۳۰، روزنامه‌نگاران متوجه شدند که در ناچیزانگاری هیتلر اشتباه کرده‌اند و متوجه نبوده‌اند که شرایط تا چه میزان می‌تواند پسرفت کند. البته که استثناهایی نیز وجود داشتند که بدنام شدند، همچون داگلاس چندلر که در سال ۱۹۳۷ یک مقاله در ستایش آلمان با عنوان «برلین در حال تغییر» در نشنال جئوگرافی منتشر کرد. دوروتی تامپسون که در سال ۱۹۲۸ از هیتلر به عنوان «مردی فاقد اهمیت» نام برده بود، در اواخر دهه متوجه شد که قضاوتش اشتباه بوده و او نیز همچون مائورر زنگ خطر را به صدا درآورد. او در سال ۱۹۳۵ نوشت: «مردم هرگز دیکتاتورشان را پیش‌بینی نمی‌کنند. هیتلر در انتخابات هرگز به عنوان یک دیکتاتور بر سکو نایستاد. او همیشه خود را به عنوان ابزاری برای اجرای خواسته‌های ملت معرفی کرد.» تامپسون این نکته را به آمریکا نیز بسط داد: «زمانی که نوبت دیکتاتور ما نیز برسد، خواهد دید که او یکی از همین پسران آمریکایی است و خود را مدافع تمام ارزش‌های اصیل آمریکایی معرفی خواهد کرد.»

### فرانسوی‌ها چگونه به عمر حکومت استبدادی پایان دادند؟

# گردن «ملکه» زیر گیوتین!

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

دوران سلطنت لوئی چهاردهم در فرانسه را باید اوج اعتلای این کشور در کسوت یک دولت قدرتمند، با مستعمرات وسیع و ثروت بسیار دانست. در همان حال، باید این دوره را، آغاز فروپاشی نظام استبدادی حاکم بر فرانسه و ورود این کشور به عصر انقلابی که بعدها با عنوان «انقلاب کبیر فرانسه» در تاریخ جاودانه شد نیز، بدانیم. دوران سلطنت لوئی چهاردهم، ۷۲ سال و دوران سلطنت پادشاه پس از او، یعنی لوئی پانزدهم، ۵۹ سال طول کشید؛ یعنی دو پادشاه فرانسه، در مجموع، به مدت ۱۳۱ سال حکومت این کشور را در اختیار داشتند. هر چند که به نظر می‌رسد این دوران طولانی سلطنت، باید برای فرانسه، ثبات و قدرت به همراه بیاورد، اما اتخاذ رویکرد استبدادی و عیاشی‌هایی که پایانی برای آن متصور نبود، باعث شد که حکومت فرانسه به تدریج، از درون بپوسد؛ به طوری که فرانسوی‌ها، به تدریج تمام مستعمرات خود را در قاره جدید یعنی آمریکا، به انگلیسی‌ها واگذار کردند. ایالت «لوئیزیانا» که به نام لوئی چهاردهم نام‌گذاری شده بود، یکی از معروف‌ترین بخش‌های مستعمرات فرانسه محسوب می‌شد که به دست انگلیسی‌ها افتاد. هنگامی که لوئی شانزدهم حکومت فرانسه را در دست گرفت، آشوب، اعتراض و بی‌نظمی، تقریباً در همه نقاط این کشور حکمفرما بود. مردم فرانسه از خاندان «بوربون» که از سال ۱۵۸۹ میلادی و با به قدرت رسیدن هانری چهارم، حکومت خود را بر فرانسه آغاز کرده بود، نفرت شدیدی داشتند و این نفرت، بعد از روی کار آمدن لوئی شانزدهم و اقدامات همسرش، ماری آنتوانت، به اوج خود رسید؛ زنی که ملکه فرانسه بود و به دلیل وابستگی به دربار اتریش، در بین فرانسوی‌ها، هیچ محبوبیتی نداشت.

■ **لوئی شانزدهم؛ یک پادشاه زن‌ذلیل!**

نفوذ زنان در دربار پادشاهان فرانسه، مسبوق به سابقه بود. پیش از ماری آنتوانت، «مادام پمپادور»، معشوقه لوئی پانزدهم، بسیاری از مقدرات کشور فرانسه را در اختیار داشت و با حمایت شاه و «کاردینال فلوری»، صدراعظم مقتدر لوئی پانزدهم، هر چه می‌خواست انجام می‌داد. شاید اقدامات امثال مادام پمپادور، مقدمه نفرت عمومی از ماری آنتوانت بود؛ اما به هر حال، خود او نیز در دامن زدن به این دشمنی‌ها، نقش عمده‌ای ایفا کرد. شوهر او، لوئی شانزدهم، نوه لوئی پانزدهم بود. آلبر ماله، مورخ مشهور فرانسوی در کتاب «انقلاب کبیر فرانسه»، درباره شخصیت وی می‌نویسد: «زنش او را مرد بیچاره می‌خواند. هوشی کُند وضعیف داشت و بسیار خجول و محجوب بود، زیرا بنا بر قول برادرش.... شاه می‌دانست که لیاقت سلطنت را ندارد.» لوئی شانزدهم به شدت زیر نفوذ همسرش، ماری آنتوانت، قرار داشت؛ ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، بخش «روسو و انقلاب»، به این موضوع اشاره می‌کند و می‌افزاید که این مسئله باعث شده بود لوئی، حتی نسبت به روابط غیراخلاقی ملکه با سرهنگ «فرسن» بی‌تفاوت بماند و ماری را بی‌گناه فرض کند. موضوعی که عمیقاً بر جامعه فرانسه تأثیر منفی گذاشت و باعث شیوع اشعار بسیار مبتذلی درباره شخصیت ملکه فرانسه شد و بر نفرت عمومی او افزود. در خارج از قصر لوئی شانزدهم در روستا و حتی در داخل قصر، بسیاری از افراد، ماری آنتوانت را زنی هوسباز می‌دانستند که به شوهرش وفادار نیست و با افراد مختلفی ارتباط دارد.

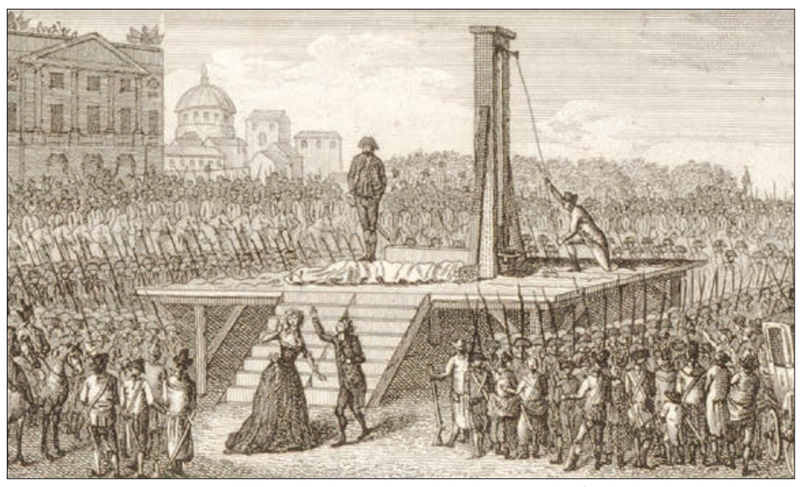

نگاره‌ای از مراسم اعدام ماری آنتوانت در میدان کنکورد پاریس- ۱۶ اکتبر ۱۷۹۳

■ **ملکه‌ای به نام ماری**

ماری آنتوانت در سال ۱۷۵۵ میلادی (۱۱۳۴ هـ.ش)، در وین اتریش به دنیا آمد. پدرش، «فرانتس یکم»، پادشاهی درمانده و شکست خورده بود که روزگاری، عنوان امپراتور مقدس روم را یدک می‌کشید و با همین عنوان، شوهر «ماری ترز»، دختر امپراتور اتریش و مادر ماری آنتوانت شد. ماری ترز مانند شوهرش بدشانس نبود و توانست عنوان ملکه اتریش را به دست آورد و بر ممالکی همچون اتریش، مجارستان، کرواسی، بوهم، ایتالیا، لهستان و بخش‌هایی از آلمان، حکومت کند. در واقع آن چه در دربار فرانسه را به برگزیدن دختر وی برای ازدواج با ولیعهد برانگیخت، قدرتی بود که امپراتوری اتریش در این دوره تاریخی، صاحب آن بود. ماری آنتوانت در سال ۱۷۷۰ با لوئی شانزدهم ازدواج کرد؛ عروس در آن زمان ۱۵ ساله و داماد، ۱۶ ساله بود.

■ **بوالهوسی‌های ملکه!**

به نظر می‌رسید که این ازدواج بتواند به اختلافات گسترده‌ای که میان دو دربار وجود داشت، پایان دهد و عملاً نیز، تا حدودی چنین شد. اما مردم فرانسه اعتقاد داشتند که با این وصلت، کشورشان عملاً زیر بلیت اتریشی‌ها قرار گرفته است؛ موضوعی که شاید به حقیقت نزدیک بود و در قراردادی که بین فرانسه و اتریش، یک سال بعد از این ازدواج، در ورسای منعقد شد، انعکاس پیدا کرد. ماری آنتوانت، برخلاف شوهرش، انسانی بسیار تندخو بود. آلبر ماله در کتاب خود گزارش داده است که اصولاً، «اخلاق ثابت و راسخ در طبیعت او وجود نداشت و از این جهت به هیچ وجه شباهتی با مادر خود ماری ترز نشان نمی‌داد. نادان و بوالهوس و در مقابل موانع و حوادث ناشکیبا بود.» ماری از نظر اخلاقی نیز، شهرت خوبی نداشت. از این که او را با افراد هرزه و بدنام ببینند، ترسی به خود راه نمی‌داد. یک بار وی را در جشن بالماسکه‌ای که در یکی از تالارهای پاریس برگزار شده بود، در میان رقاصان شناسایی کردند! ماری آنتوانت، از یک نظر کاملاً شبیه همسرش بود و آن این که به سرعت تحت تأثیر حرف اطرافیان قرار می‌گرفت و به هیجان می‌آمد و بدبختانه در همین حالت، اقدام به گرفتن تصمیم‌های مهم و راهبردی می‌کرد! ماری اطرافیانی داشت که ابداً معتقد به انجام اصلاحات در کشور نبودند و خاندان «پولینیاک»، در رأس این اطرافیان قرار داشت. به همین دلیل بود که ملکه فرانسه، بدون آن که اطلاعات دقیقی داشته باشد، به مخالفت با اصلاحاتی پرداخت که خواست قاطبه ملت فرانسه بود؛ اقدامی که می‌توانست بر مخالفت و عداوت مردم با ملکه، دامن بزند. اما او که اشراف‌زاده‌ای خودستا و بی‌توجه به عامه مردم و دریک کلام، خودرأی و مستبد بود، خواست مردم را به هیچ گرفت و تصور کرد که می‌تواند با این شرایط، استیلای خود بر دربار فرانسه تداوم بخشد.

■ **آتش‌های زیر خاکستر**

فساد مالی و اداری، از مدت‌ها قبل دامن‌گیر دربار فرانسه شده بود. او اخر دوران لوئی پانزدهم، اقتصاد فرانسه با کسری بودجه عظیمی روبه‌رو بود. فرانسوی‌ها، ۲۵۰ سال قبل، حدود ۲۲ میلیون فرانک کسری بودجه داشتند! دولت، ۷۸ میلیون فرانک از درآمد سال‌های بعد را پیش‌خور کرده و مبلغی بیش از ۲۳۵ میلیون فرانک مقروض بود! با وجود اقداماتی که «تورگو»، صدراعظم کاردان لوئی شانزدهم برای بهبود شرایط انجام داد، به دلیل فساد ریشه‌دار موجود، وضعیت بهتر نشد و بحران، هر روز بیشتر و عمیق‌تر از قبل می‌شد. پارلمان فرانسه که از زمان لوئی چهاردهم و برای پیشنهاد دادن قانون به شاه تأسیس شده بود، عملاً در تنقیح قوانین و تصویب مقررات جدید، منفعلانه عمل می‌کرد. در این بین، نقش احزاب آشکار و مخفی که برخی از آن‌ها با دولت‌های بیگانه و به‌ویژه انگلیس ارتباط داشتند، در دامن زدن به بحران، غیرقابل کتمان بود. پس از آن که تورگو نتوانست کاری از پیش ببرد، «نِکِر» روی کار آمد تا شاید بتواند با توجه به سابقه‌ای که در امور مالی دارد، اوضاع را سامان دهد؛ اما او نیز قادر به کنترل کردن اقدامات خودسرانه وابستگان به دربار و به‌ویژه، ماری آنتوانت، نبود و به همین دلیل، او اخر سال ۱۷۸۳، از کار برکنار شد و این بار، لوئی شانزدهم در یک اشتباه راهبردی، سکان اداره کشور را به «کالون» سپرد؛ مردی مورد حمایت درباریان و ملکه و متخصص در ویران کردن بنیان اقتصاد کشور! او برای جلب قلوب درباریان، مستمری آن‌ها را از ۲۳ میلیون فرانک به ۳۲ میلیون فرانک رساند و به قول آلبر ماله، «جوی پول در دربار لوئی روان شد.» کالون برای پر کردن خزانه تهی دولت فرانسه، به گرفتن مالیات‌های جدید روی آورد. این کار، همچون جرقه در انبار باروت بود و خشم مردم را برانگیخت. با فرا رسیدن سال ۱۷۸۹، فرانسه آماده طغیانی سراسری بود. شاه کوشید با تشکیل مجلس موسسان، برآتش افروخته شده، آبی بریزد، اما این آب، تکافوی خاموش کردن آن آتش را نمی‌کرد. روز ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹، مردم خشمگین پاریس به سمت زندان معروف «باستیل» هجوم بردند. فتح باستیل، سرآغاز انقلاب کبیر فرانسه بود.

■ **انقلاب فرانسه؛ پایان ماری آنتوانت**

لوئی شانزدهم در مقابل خواست انقلابیون فرانسه عقب‌نشینی کرد و تن به اصلاحات مد نظر آن‌ها داد، اما همسرش، ماری آنتوانت، این تمکین را برنمی‌تابید. به همین دلیل تصمیم گرفت به برادرش لئوپلد دوم، امپراتور اتریش، نامه‌ای بنویسد و تقاضای کمک کند. منظور ملکه این بود که اتریشی‌ها برای سرکوب انقلاب و بازگرداندن قدرت مستبدانه شاه، وارد عمل شوند. لئوپلد دوم به درخواست خواهرش جواب مثبت داد. البته این جواب مثبت، بیشتر به دلیل نگرانی او از نفوذ افکار انقلابی در اتریش بود تا اجابت ملکه فرانسه! قشون اتریش در بهار سال ۱۷۹۲ از مرزهای فرانسه گذشتند، اما نتوانستند نیروی روبه تزاید انقلابیون را مهار کنند. در عوض، فرانسوی‌های خشمگین، کینه چند ساله را از سینه بیرون ریختند و در ۱۰ اوت ۱۷۹۲، به سلطنت لوئی شانزدهم خاتمه دادند و او و همسرش را به اسارت گرفتند. برخی از سران انقلاب فرانسه، معتقد بودند که باید ماری آنتوانت را به عنوان گروگان نزد خود نگه دارند تا بتوانند بر سر او با امپراتوری اتریش، معامله کنند، اما شدت خشم مردم، بیش از آن بود که این افراد آینده‌نگر، بتوانند آن را مهار کنند. به این ترتیب، فرمان اعدام لوئی شانزدهم و همسرش، ماری آنتوانت، صادر شد. دادگاه ماری، دادگاهی بسیار پرجنجال بود و طبق گزارش‌های موجود، او می کوشید با استفاده از چهره زیبا و لحن به ظاهر معصومانه‌اش، اعضای قاضی و دادستان را بفریبد؛ اما موفق به این کار نشد.

■ **انجام اعدام با آخرین اختراع!**

فرانسوی‌ها برای اعدام شاه و ملکه جدیدترین ابزار اختراع شده را برگزیدند؛ گیوتین! وسیله‌ای که چند سال قبل، توسط «ژوزف گیوتین»، پزشک فرانسوی طراحی و یک سال قبل از اعدام لوئی شانزدهم، نمونه‌هایی از آن برای اعدام محکومان فرانسوی، با دستور و سفارش «شارل هانری سانسون»، مشهور به جلاد پاریس، ساخته و به کار گرفته شده بود. روز ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ (زمستان ۱۱۷۱ هـ.ش)، لوئی شانزدهم را کشان کشان به میدان «کنکورد» در پاریس بردند و سرش را با گیوتین قطع کردند. ۹ ماه بعد و در حالی که فرانسه، دوران وحشت خود را با حکومت افرادی مانند «روبسپیر» تجربه می‌کرد، در ۱۶ اکتبر ۱۷۹۳ (پاییز ۱۱۷۲ هـ.ش)، ماری آنتوانت را نیز، در میان هیاهوی مردم به میدان «کنکورد» آوردند و گردنش را زیر گیوتین گذاشتند و به زندگی این زن اشرافی، خودرأی و مستبد، خاتمه دادند.

**منابع:**
انقلاب کبیر فرانسه؛ آلبر ماله و ژول ایزاک؛ ترجمه رشید یاسمی؛ امیرکبیر
تاریخ تمدن؛ ویل و آریل دورانت؛ بخش «روسو و انقلاب» (بخش دوم)؛ ترجمه ضیاءالدین علائی؛ انتشارات علمی و فرهنگی
انقلاب فرانسه؛ میشل وول؛ ترجمه محمد مظلوم خراسانی؛ انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

### بازیگران تاریخ

## ویلیام سولیوان دیپلماتی که اشتباه تحلیل می‌کرد

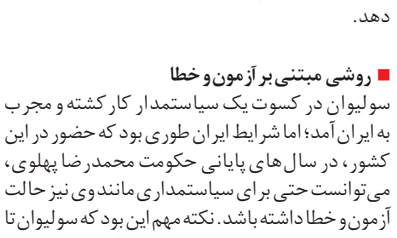

اگرچه سولیوان را به عنوان آخرین سفیر آمریکا در ایران می‌شناسند، اما وی سیاستمداری کهنه‌کار در آمریکا محسوب می‌شد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، هر چند که سولیوان در ۹۰ سالگی درگذشت، اما رگه‌های مشخصی از سیاست‌ورزی وی در تاریخ آمریکا باقی مانده است. وی که متولد سال ۱۹۲۲ بود، نخستین تجربه سیاست‌ورزی خود را با حضور در نیروی دریایی آمریکا، در جریان جنگ جهانی دوم تجربه کرد و به خاور دور نیز اعزام شد؛ حضور در جنگ جهانی دوم تجارب ارزشمندی را برای سولیوان رقم زد و پیشینه مناسبی نیز برای او به وجود آورد تا بتواند مراتب ترقی را در دستگاه دیپلماسی آمریکا، طی کند. وی بلافاصله پس از حضور در آمریکا، وارد دستگاه وزارت خارجه این کشور شد.

■ **نخستین تجربه‌های سفارت**

سولیوان خیلی سریع مسیر سیاسی خود را انتخاب و به عنوان سفیر آمریکا در کشورهایی مانند لائوس و فیلیپین، شروع به کار کرد؛ اما یکی از تاثیرات مشخص و بارز سولیوان در دیپلماسی آمریکا، برای نخستین بار در جریان جنگ ویتنام بروز کرد و بر اساس اسناد تاریخی، وی نقش بارزی در جریان مذاکرات صلح میان آمریکا و ویتنام ایفا کرد. کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در جریان جنگ میان آمریکا و ویتنام به صورت مستقیم از مشاوره‌های سولیوان برخوردار شد و وی، نقشی کلیدی در این حوزه ایفا کرد تا از این طریق، موقعیت خود را در دستگاه دیپلماسی آمریکا، بار دیگر تثبیت کند و ارتقا دهد.

■ **روشی مبتنی بر آزمون و خطا**

سولیوان در کسوت یک سیاستمدار کارکشته و مجرب به ایران آمد؛ اما شرایط ایران طوری بود که حضور در این کشور، در سال‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی، می‌توانست حتی برای سیاستمداری مانند وی نیز حالت آزمون و خطا داشته باشد. نکته مهم این بود که سولیوان تا پیش از حضور در ایران، تجربه حضور در یک کشور اسلامی را نداشت و از نظر جغرافیایی نیز، نزدیک‌ترین مکانی که به عنوان محل خدمت خود به ایران گذرانده بود، کلکته هند بود. از این نظر نیز، حضوری در ایران می‌توانست باز هم نوعی آزمون و خطا محسوب شود. انتخاب وی برای حضور در ایران، برای خود سولیوان نیز تا حدودی شگفت‌آور بود. سولیوان، دموکرات ۵۶ ساله قبل از حضور در ایران با سایروس ونس، وزیر خارجه وقت آمریکا دیدار داشت. او درباره این دیدار می‌نویسد: «در نخستین ملاقات با ونس از وی پرسیدم که دلیل انتخاب من برای پست سفارت در کشوری که هیچ گونه تجربه و سابقه‌ای درباره آن ندارم، چه بوده است؟ وزیر خارجه در پاسخ گفت که علت انتخاب من به این سمت، این بوده است که برای پست سفارت ایران در جست‌وجوی دیپلماتی بوده‌اند که در کشورهایی با حکومت‌های متمرکز و استبدادی تجربه کافی داشته باشد و بتواند با یک زمامدار مقتدر و خودکامه کار کند.» هر چند برخی اسناد و روایات تاریخی نیز بیانگر این هستند که وی تمایل چندانی برای حضور در کشوری که برایش ناشناس بوده، نداشته است، اما به هر حال، دوران حضور دو ساله سولیوان در ایران، روز ۲۰ فروردین ۱۳۵۶ آغاز شد. قطعا مهم‌ترین برهه حضور سولیوان در ایران یا به عبارت بهتر مهم‌ترین تجربه‌ای که وی در ایران کسب کرد، این بود که انقلاب و گذار در ایران را از نزدیک مشاهده کرد و در جریان این مشاهدات، با شاه نیز دارای ارتباط نزدیکی بود و دایم پیام‌های واشنگتن را به وی می‌رساند. البته باز هم بر اساس همین اسناد، سولیوان نیز دچار نوعی سردرگمی شده بود و تحلیل‌هایش از اوضاع ایران، دایم تغییر می‌کرد. وی در پیامی در ماه‌های منتهی به انقلاب به آمریکا، بیان کرده بود که شاه کاملاً بر اوضاع مسلط است، اما چهار ماه بعد و در روزهای منتهی به انقلاب، اعلام کرده بود که اوضاع از کنترل شاه نیز خارج شده است و این بیانگر تغییر مداوم در رویکردهای سولیوان، متناسب با تغییر شرایط ایران و شاه بود. سولیوان در ۱۷ فروردین سال ۵۸، به دوران ماموریت خود در ایران پایان داد و در جریان تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام(ره)، در ایران حضور نداشت و مدتی قبل از این واقعه، ایران را ترک کرده بود.

نگاره‌ای از مجلس امضای قرارداد ترکمان‌چای

## ناگفته‌هایی از پیامدهای «جنگ دوم ایران و روس»

گفت‌وگو
مجید پورشافعی، مولف «از نراق تا ترکمان‌چای» معتقد است که ایران طی معاهده گلستان، شهرهای زیادی را از دست داد. در فاصله دو جنگ، علمای بزرگ فتوای جهاد دادند؛ از جمله، ملا احمد نراقی که کفن پوشید و به میدان آمد و با بیان مذهبی، از مردم خواست که برای رهایی و آزادی شهرهای تصرف شده، جهاد کنند. آن‌چه در پی می‌آید، گفت‌وگوی ایبنا با این نویسنده و پژوهشگر، درباره عواقب شکست ایران در دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه تزاری و در نتیجه، انعقاد عهدنامه ننگین ترکمان‌چای است.

**در کتاب «از نراق تا ترکمان‌چای»، به شرح احوالات ملا احمد نراقی پرداخته‌اید. ابتدا کمی او را معرفی کنید.**

ملا احمد نراقی، اهل نراق کاشان و از علمای بزرگ قرن سیزدهم است. کتاب اخلاقی «جامع السعاده» و کتاب «معراج السعاده» از آثار او به شمار می‌آید. او متولد ۱۱۸۵ قمری است و در سال ۱۲۴۵، بعد از ختم جنگ‌های ایران و روس، در بیماری وبای همه‌گیر، درگذشت.

**وضعیت ایران در آن دوره چگونه بود؟**

در این دوران، بسیاری از جمعیت ایران از بین رفت و عده‌ای هم که زنده ماندند یا به عتبات عالیات رفتند یا به هند پناهنده شدند. پارسیان هند، اغلب مهاجران دوره صفویه هستند. دوران فروپاشی صفویه تا آغاز و استقرار قاجار، دوره‌ای هولناک است.

**در این کتاب به نقش علما در جنگ‌های ایران و روس توجه داشته‌اید. به طور کلی رابطه قاجارها با علما چگونه بود؟**

قزلباش‌ها هفت طایفه ترک بودند که حکومت صفویه در سال ۱۵۰۱ به مدد آن‌ها روی کار آمد. یکی از این هفت طایفه قزلباش، قاجارها بودند. صفویه اولین دولت شیعی فراگیر را در فلات ایران ایجاد کرد. قاجارها هم به ظاهر پایبندی مذهبی داشتند. رابطه دربار قاجار و فتحعلیشاه با علما، رابطه‌ای مستمر بود.

**مهم‌ترین عهدنامه‌ای که بین ایران و روسیه تزاری بسته شد، عهدنامه ترکمان‌چای بود که در خلال جنگ‌های این دو کشور بسته شد. درباره این جنگ‌ها و عهدنامه‌ها هم اطلاعاتی به خوانندگان ما ارائه کنید.**

معاهده گلستان، به نوعی براساس یک عرف بین‌المللی در آن دوره بود؛ به این معنا که ارتش هر کشور، در هر جایی که هست، در همان جا بماند و هر شهری را هم که گرفته است، در دستش بماند و به نوعی آتش‌بس برقرار می‌شد. طی معاهده گلستان، ما شهرهای زیادی را از دست دادیم. در فاصله دو جنگ، علمای بزرگ فتوای جهاد دادند، از جمله ملا احمد نراقی که کفن پوشید و به میدان آمد و با بیان مذهبی از مردم خواست که برای رهایی و آزادی شهرهای تصرف شده، جهاد کنند. در کتاب «رساله‌های جهادیه»، این فتواها جمع شده است. آیت‌ا... مجاهد، آیت‌ا... نجفی و ملا احمد نراقی از جمله کسانی بودند که در این زمینه فتوا دادند. در دوره دوم جنگ‌ها، ما به شدت و به سرعت در هم کوبیده شدیم و دوران مقاومتمان کوتاه بود. در شوال ۱۳۴۳ قمری، یکی از وحشتناک‌ترین قراردادها بسته شد؛ قرارداد ترکمان‌چای که نه تنها در پی آن، تمام مناطق شمال ارس از ایران جدا شد، بلکه ایران محکوم به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت جنگی به روسیه شد و کشور ما را به عنوان گناهکار جنگی معرفی کردند. بعد از معاهده ترکمان‌چای، نوعی انفعال و سرخوردگی در جامعه به وجود آمد. جنگی که به شکست سختی انجامید، نه تنها باعث کم رنگ شدن فعالیت اجتماعی برخی علمای دینی شد، بلکه یک تجربه تلخ سیاسی نیز به شمار می‌رفت.

۳۷۰۱۰
پذیرش تلفنی آگهی با پیک رایگان

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت دوم)**
**شرکت تعاونی تهیه و توزیع آرد نانوایان مشهد و حومه**

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تهیه و توزیع آرد نانوایان مشهد راس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۱ در محل کارخانه آرد یاسین واقع در کیلومتر ۲۰ جاده فریمان بعد از تپه سلام با دستور جلسه ذیل تشکیل می گردد از کلیه اعضاء ( یا وکیل قانونی) دعوت می شود با همراه داشتن کارت ملی جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات دستورجلسه در موعد مقرر حضور بهم رسانند. **دستورجلسه:** ۱ - استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسان ۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و صورتحساب سود و زیان شرکت تعاونی در سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۶
۳- طرح و اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه ۴ - اتخاذ تصمیم نسبت به دریافت تسهیلات از بانک ها ۵ - طرح و تصویب بودجه پیشنهادی برای سال مالی ۱۳۹۷ - ۶ - انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل برای یک سال مالی ۷ - تعیین تکلیف کارخانه آرد یاسین جهت اتمام پروژه و جذب سرمایه از طریق شراکت
**تذکر:** ۱ - در صورتی که حضور عضوی در جلسه مذکور میسر نباشد می تواند حق رای خود را به موجب وکالت نامه به عضو دیگر و یا نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید در این صورت هر عضو علاوه بر رای خود تا ۳ رای با وکالت و غیرعضو فقط یک رای وکالتا می تواند داشته باشد عضو متقاضی اعطای نمایندگی می بایست به همراه نماینده خود در تاریخ های ۹۷/۰۸/۱۲ لغایت ۹۷/۰۸/۲۰ در محل دفتر شرکت تعاونی از ساعت ۹ الی ۱۳ با همراه داشتن کارت شناسایی معتبر جهت ارائه وکالت و اخذ برگ ورود به جلسه مجمع عمومی مراجعه نماید ( در تاریخ ذکر شده فوق از ساعت ۷/۳۰ صبح وسیله ایاب و ذهاب از محل دفتر شرکت تعاونی واقع در چهارراه بیسیم خیابان جهاد به محل مجمع عمومی مهیا می باشد. )
**هیئت مدیره شرکت تعاونی تهیه و توزیع آرد نانوایان مشهد**
ه/۹۷۱۲۰۴۶۹

**مزایده عمومی واگذاری بهره برداری از مجموعه ورزشی شامل (استخر و سالن چند منظوره و بدنسازی) موسسه ایثار استان سیستان و بلوچستان (نوبت اول)**
**۱-نام و نشانی مزایده گذار:** موسسه فرهنگی ورزشی و توانبخشی ایثار استان سیستان و بلوچستان به نشانی زاهدان بلوار جمهوری روبروی مجتمع لادیز خیابان ایثار **(دفتر موسسه)**
**۲-نوع ،کیفیت خدمات (موضوع مزایده):** واگذاری جهت بهره برداری از مجموعه ورزشی شامل (استخر، سالن ورزشی چند منظوره و سالن بدنسازی) به آدرس زاهدان بلوار جمهوری روبروی مجتمع لادیز خیابان ایثار
**۳-نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:** مبلغ تضمین برای شرکت در مزایده استخر به میزان ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که لازم است به صورت ضمانت نامه بانکی بدون قید و شرط یا رسید واریز نقدی به حساب اشتیاق شماره ۰۲۰۳۳۸۸۹۹۹۰۰۵ نزد بانک دی، به نام موسسه ورزشی و توانبخشی ایثار استان سیستان و بلوچستان بزرگ قابل واریز در کلیه شعب بانک دی ارائه گردد.
**۴-مهلت و محل دریافت اسناد مزایده:** از ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۵ تا ساعت ۱۴ روز یک شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۳ آدرس: زاهدان بلوار جمهوری روبه روی مجتمع لادیز خیابان ایثار **(دفتر موسسه)**
**۵-مهلت و محل تسلیم پیشنهادها** تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۲ نشانی شهرستان زاهدان خیابان آزادی اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران (واحد حراست) می باشد.
**۶-تاریخ برگزاری جلسه بازگشائی پاکت های پیشنهادی** ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ به آدرس : زاهدان بلوار جمهوری روبه روی مجتمع لادیز خیابان ایثار **(دفتر موسسه)**
**هزینه درج آگهی و دستمزد کارشناس به عهده برنده مزایده خواهد بود.**
**تلفن پاسخگوئی به سوالات ۳۳۴۹۱۳۰۸**
م الف ۱۷۲۲
شناسه آگهی ۲۷۶۲۶۴
**مدیریت موسسه فرهنگی ورزشی توانبخشی ایثار استان سیستان و بلوچستان**
ه/۹۷۱۲۰۵۲۷

**همسر عزیزم**
**آقای مهندس هادی یعقوبی**
فراغت شما از مقطع فوق لیسانس برق،جشن دیگری است ارزشمند و مقدس
گوارایتان باد این عنوان امیدبخ